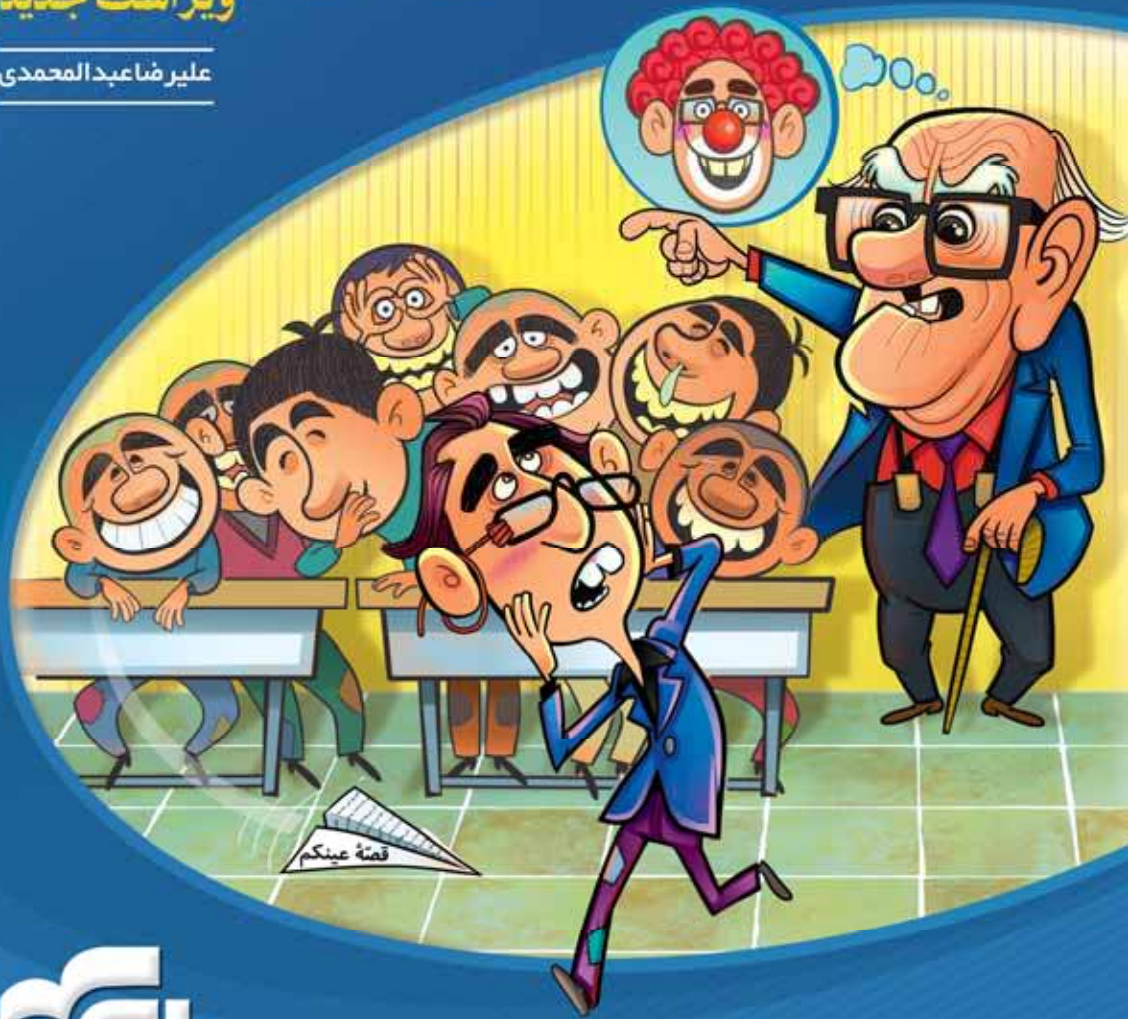


درس نامه + پرسش های چهارگزینگی + آزمون + پاسخ های کاملاً تشریحی

فارسی ۲ (یازدهم)

ویراست جدید

علیرضا عبدالمحمدی



انتشارات
انگه

مقدمه

به نام خدایی که در این نزدیکی است

تقدیم به محمدرضا شجریان

«نبردت سفت است

مثل تکلیف ریاضی برای انسانی‌ها

و فقط مکالمهٔ عربی برای تهریی‌ها

یا تشابهات املائی برای ریاضی‌ها

یا و حال دلم را زنگ هنر کن»

کتاب فارسی یازدهم شامل بخش‌های زیر است:

۱- درسنامه:

- تمام لغات معنی شده در واژه‌نامهٔ پایان کتاب درسی و لغات مهم معنی نشده در کتاب با معانی کتابی و فراکتابی آن‌ها
- کلمات و گروه‌های املائی مهم هر درس
- تاریخ ادبیات هر درس
- تدریس کامل نکات مهم قلمرو زبانی (دستور، زبان‌شناسی و ...) و قلمرو ادبی (آرایه‌های ادبی، قالب‌های شعری و ...)
- معانی تمام ابیات کتاب درسی
- آرایه‌های ادبی تمام ابیات کتاب درسی
- حل تمام سوالات کارگاه متن‌پژوهی

۲- تست درس به درس و موضوعی:

در این بخش تست‌های بسیاری از هر درس با تقسیم‌بندی موضوعی «لغت - املا - تاریخ ادبیات - آرایه‌های ادبی - دستور و زبان‌شناسی - قرابت و معنی و مفهوم» آورده‌ام که بانک تست بسیار قوی برای استفادهٔ دانش‌آموزان خواهد بود.

۳- آزمون تشریحی درس به درس:

در پایان هر درس یک آزمون تشریحی با ساختار قلمرو زبانی، قلمرو ادبی و قلمرو فکری آورده‌ام که نگاه به کار تشریحی انجام شده باشد.

۴- پاسخنامهٔ تشریحی:

در این قسمت پاسخ‌های کاملاً تشریحی تست‌ها و آزمون‌های هر درس را به تفکیک آورده‌ام.

و اما سخنی درباره فارسی پایه یازدهم:

کتاب درسی پایه یازدهم که شامل ۱۸ درس است (البته دروس ۴ و ۱۳ مطالعه آزادند و در حقیقت انگار نیستند!) در مواردی با متن‌ها و ابیات نظام قدیم اشتراک دارد و در موارد بسیاری ندارد و در بعضی مطالب دستوری، مطالب کاملاً از نظر علمی تفاوت کرده است.

در این کتاب سعی کرده‌ام نظم بسیاری به مطالب بدهم و ساختار فکری دقیقی برای دانش‌آموزان ایجاد کنم. ساختار کتاب را به صورت درس به درس اما در هر درس با تقسیم‌بندی موضوعی قرار داده‌ام که به هر دو مسیر «درسی و موضوعی» پرداخته شده باشد.

در مسیر تولید این کتاب، لازم است تشکر بسیار کنم از:

● مدیران و کارکنان نشر الگو که همکاری صمیمانه‌ای داشتند. خانم‌ها:

واحد ویراستاری: مریم صالحی، نگین دخیلی، مهرناز قجری، محدثه مرادی و واحد حروف‌چینی: افتخار معصومی

● همکاران، دوستان و فارغ‌التحصیلان:

نزهت رضایی، عبدالحمید رزاقی، احسان برادران، امیرحسین عبدالله‌زاده، ندا جاتن، احمدرضا گل‌یاس، شقایق رحیم‌پور، سارا فرمهین فراهانی، عرفان شریفیان، رویا علی‌آبادی، آیدا علیزاده، رضا رمضان‌پور، نگار عزیزی، آیدا معماریان، سهند قربانی و ...

در پایان امیدوارم دوستان و همکاران و مشاوران و صاحب‌نظران مانند همیشه نظرات خود را با من در میان گذارند تا در کیفیت بخشی به کتاب استفاده کنم.

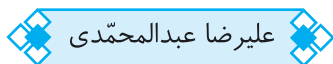
دانش‌آموزان می‌توانند از مطالب و نکات علمی کانال‌ها استفاده کنند و سؤالات خود را از طریق لینک موجود در کانال بفرستند تا جریان علمی پویایی برای نظام جدید داشته باشیم. آدرس کانال‌ها:

@olgoo_adabiaat

@azmoon_adabiaat

... و مقدر زیباست

شبه‌هایی که با یار تو آغاز می‌شود ...



علیرضا عبدالمحمّدی

فصل سوم: ادبیات غنایی

درس ششم

«پروردهٔ عشق - گنج حکمت: مردان واقعی»

- درسنامه ۸۰
 کارگاه متن‌پژوهی ۸۸
 پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۹۰
 آزمون تشریحی ۹۹

درس هفتم

«باران محبت - شعرخوانی: آفتاب حسن»

- درسنامه ۱۰۰
 کارگاه متن‌پژوهی ۱۰۶
 پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۱۰۸
 آزمون تشریحی ۱۱۶

فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

درس هشتم

«در کوی عاشقان - گنج حکمت: چنان باش...»

- درسنامه ۱۱۷
 کارگاه متن‌پژوهی ۱۲۴
 پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۱۲۶
 آزمون تشریحی ۱۳۹

درس نهم

«ذوق لطیف - روان‌خوانی: میثاق دوستی»

- درسنامه ۱۴۰
 کارگاه متن‌پژوهی ۱۴۴
 پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۱۴۶
 آزمون تشریحی ۱۵۸

فصل یکم: ادبیات تعلیمی

ستایش و درس اول

«لطف خدا - نیکی - گنج حکمت: همت»

- درسنامه ۱
 کارگاه متن‌پژوهی ۹
 پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۱۱
 آزمون تشریحی ۲۶

درس دوم

«قاضی بست - شعرخوانی: زاغ و کبک»

- درسنامه ۲۸
 کارگاه متن‌پژوهی ۳۵
 پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۳۷
 آزمون تشریحی ۴۸

فصل دوم: ادبیات پایداری

درس سوم

«در امواج سند - گنج حکمت: چو سرو باش»

- درسنامه ۴۹
 کارگاه متن‌پژوهی ۶۰
 پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۶۲
 آزمون تشریحی ۶۷

درس چهارم

«درس آزاد (ادبیات بومی ۱)»

درس پنجم

«آغازگری تنها - روان‌خوانی: تا غزل بعد...»

- درسنامه ۶۸
 کارگاه متن‌پژوهی ۷۲
 پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۷۴
 آزمون تشریحی ۷۹

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

درس دهم

«بانگ جرس - گنج حکمت: به یاد ۲۲ بهمن»

درسنامه	۱۵۹
کارگاه متن‌پژوهی	۱۶۶
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۱۶۷
آزمون تشریحی	۱۷۰

درس یازدهم

«یاران عاشق - شعر خوانی: صبح بی تو»

درسنامه	۱۷۲
کارگاه متن‌پژوهی	۱۷۸
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۱۸۰
آزمون تشریحی	۱۸۶

فصل ششم: ادبیات حماسی

درس دوازدهم

«کاوه دادخواه - گنج حکمت: کاردانی»

درسنامه	۱۸۷
کارگاه متن‌پژوهی	۲۰۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۰۱
آزمون تشریحی	۲۱۲

درس سیزدهم

«درس آزاد (ادبیات بومی ۲)»

درس چهاردهم

«حملةٔ حیدری - شعر خوانی: وطن»

درسنامه	۲۱۴
کارگاه متن‌پژوهی	۲۲۴
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۲۵
آزمون تشریحی	۲۳۱

فصل هفتم: ادبیات داستانی

درس پانزدهم

«کبوتر طوق‌دار - گنج حکمت: مهمان ناخوانده»

درسنامه	۲۳۳
کارگاه متن‌پژوهی	۲۳۷
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۳۸
آزمون تشریحی	۲۴۵

درس شانزدهم

«قصهٔ عینکم - روان‌خوانی: دیدار»

درسنامه	۲۴۷
کارگاه متن‌پژوهی	۲۵۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۵۱
آزمون تشریحی	۲۵۷

فصل هشتم: ادبیات جهان

درس هفدهم

«خاموشی دریا - گنج حکمت: تجسم عشق»

درسنامه	۲۵۸
کارگاه متن‌پژوهی	۲۶۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۶۱
آزمون تشریحی	۲۶۵

درس هجدهم

«خوان عدل - روان‌خوانی: آذرباد - نیایش: الهی»

درسنامه	۲۶۶
کارگاه متن‌پژوهی	۲۷۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۷۱
آزمون تشریحی	۲۷۷

پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای

پاسخ تشریحی تست‌ها	۲۸۰
--------------------	-----

پاسخنامه تشریحی آزمون‌ها

پاسخ تشریحی آزمون‌ها	۳۲۰
----------------------	-----

درس یازدهم

یاران عاشق - شعر خوانی: صبح بی تو

لغت

لغات ستاره دار

روحانی	منسوب به روح، معنوی، ملکوتی	آدینه	روز جمعه، آخرین روز هفته
سیمینه	منسوب به سیم، سیمین، اشیاى ساخته شده از سیم یا نقره	انکار	باور نکردن، نپذیرفتن، نفی کردن
مدار	مسیری معمولاً دایره‌ای شکل که در آن چیزی به دور چیز دیگر می‌چرخد؛ مسیر	بیعت	پیمان، عهد، پیمان بستن برای فرمان‌برداری و اطاعت از کسی
مرهم	هر دارویی که روی زخم گذارند، التیام بخش	چنبر	حلقه و هر چیز حلقه مانند؛ چنبر نفس: چنبر زدنِ مارِ نفس
منکر	انکارکننده، ناباور	رستن	رها شدن، نجات یافتن

لغات بی ستاره

هان	صوت آگاهی، به هوش باش	دف	یکی از سازهای ضربی
آلاله	شقایق، لاله سرخ	هلا	صوت تنبیه و ندا که برای آگاهاندن به کار می‌رود.
کینه	دشمنی، عداوت	فرط	از حد گذشتن، چیره شدن، بسیاری، فراوانی
گنجینه	خزانه، جای نگهداری زر و سیم		

املا

فرط عشق

مرهم عاشق

هلا و هان
خوبشاوندینغمه عشق
جغدمدار خطر
بیعت

تاریخ ادبیات

هم‌صدا با حلق اسماعیل اثر سید حسن حسینی

نکته مهم قلمرو زبانی

صفت بیانی

تعریف: برای توضیح و وصف یک واژه (موصوف) به کار می‌رود. انواع صفت بیانی:

❖ **مطلق** ← خوب - زشت - پاک - روشن

بن مضارع + نده ← گوینده - رونده - شنونده - بیننده

بن مضارع + ا ← گویا - روا - شنوا - زیبا

بن مضارع + ان ← گریان - خندان - روان - خرامان

❖ **فاعلی** ← بن ماضی / بن مضارع + گار ← رستگار - آفریدگار - آموزگار - پروردگار

بن ماضی + ار ← خریدار - گرفتار - برخوردار - خواستار

اسم / بن / صفت + گر ← زرگر - توانگر - روشنگر - آهنگر - ستمگر

اسم / صفت + بن مضارع ← خدانشناس - راستگو - حق‌گو

❖ **مفعولی** ← بن ماضی + ه ← گفته - شکفته - رفته - دیده

❖ **لیاقت** ← مصدر + ی ← دیدنی - شنیدنی - خوردنی - نوشیدنی

اسم + ی ← ادبی - آسمانی - سیاسی (سیاست + ی) - لغوی (لغت + ی) - نارنجی

اسم + ین ← ابریشمین - زرّین - پشمین - سیمین - آهنین

اسم + ینه ← سیمینه - پشمینه - چرمینه

❖ **نسبی** ← اسم + انی ← جسمانی - روحانی - ظلمانی - عقلانی

اسم + انه ← مردانه - کودکانه - بچگانه - سالانه

اسم + چی ← درشکه‌چی - تلفن‌چی - بیسیم‌چی

مثال:

صفت مفعولی	صفت لیاقت	صفت فاعلی	بن ماضی	بن مضارع	فعل
خریده	خریدنی	خرنده	خرید	خر	خریده بودم
گفته	گفتنی	گوینده گویا	گفت	گو	داستی می‌گفتی
خوانده	خواندنی	خواننده	خواند	خوان	خواندم
رفته	رفتنی	رونده، روا، روان	رفت	رو	برویم
آشامیده	آشامیدنی	آشامنده	آشامید	آشام	آشامیدم
رسته	رستنی	رهنده رها	رست	ره	می‌رستیم
فروخته	فروختنی	فروشنده	فروخت	فروش	بفروشید
دیده	دیدنی	بیننده بینا	دید	بین	خواهید دید
خرامیده	خرامیدنی	خرامنده خرامان	خرامید	خرام	دارند می‌خرامند
مرده	مردنی	میرنده میرا	مُرد	میر	بمیرند

معنی ابیات ← یاران عشق

◇ بیت ۱: بیا عاشقی را رعایت کنیم زیـاران عاشق حکایت کنیم

◆ معنی: بیا راه و رسم عاشقی را به جا بیاوریم و از آزادگان و شهدا صحبت کنیم.

اشتیاق ← عاشقی و عاشق (هر دو از یک ریشه هستند؛ این آرایه برای رشته ریاضی و تجربی نیست)

واج آرای ← تکرار مصوت «ا»

آرایه

حکایت ← مفعول

یاران ← متمم

رعایت کنیم ← فعل مرکب

بیا ← فعل امر

عاشقی ← مفعول

دستور

◇ بیت ۲: از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند سفر بر مدار خطر کرده‌اند

◆ معنی: از آن‌هایی صحبت کنیم که شهید شده‌اند و به دنبال خطر و جان‌فشانی می‌گشتند.

کنایه ← خونین سفر کردن (کنایه از شهید شدن)

تکرار ← سفر

آرایه

خطر ← مضاف‌الیه

مدار ← متمم

سفر ← مفعول

آن‌ها ← متمم

کرده‌اند ← فعل

خونین ← قید

دستور

◇ بیت ۳: از آن‌ها که خورشید فریادشان دمید از گلوی سحرزادشان

◆ معنی: از آن‌هایی صحبت کنیم که فریاد نورانی آن‌ها از گلوی روشنی‌بخششان بلند شد.

کنایه ← فریاد از گلو دمیدن (کنایه از فریاد و اعتراض و داد زدن)

تشبیه ← خورشید فریاد (فریاد به خورشید تشبیه شده است؛ این ترکیب اضافه تشبیهی است)

آرایه

سحرزاد ← صفت

دمید ← فعل

شان ← مضاف‌الیه

خورشید ← نهاد

شان ← مضاف‌الیه

گلوی ← متمم

فریاد ← مضاف‌الیه

دستور

◇ بیت ۴: چه جانانه چرخ جنون می‌زندند دف عشق با دست خون می‌زنند

◆ معنی: چه مردانه و شجاعانه به دنبال شوریدگی بودند و با تمام وجود برای جان‌فشانی و شهادت تلاش می‌کردند.

استعاره و تشخیص ← دست خون (برای خون دست قائل شده‌ایم که خصوصیت انسانی است؛ این ترکیب اضافه استعاری است)

تشبیه ← دف عشق (عشق را به دف تشبیه کرده است؛ این ترکیب، اضافه تشبیهی است)
کنایه ← چرخ جنون زدن (کنایه از شوریدگی و شیدایی و دیوانگی)

آرایه

خون ← مضاف‌الیه

دف ← مفعول

جنون ← مضاف‌الیه

چه جانانه ← گروه قیدی

می‌زنند ← فعل

عشق ← مضاف‌الیه

چرخ ← مفعول

دست ← متمم

دستور

◇ بیت ۵: به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند چنین، نغمه عشق سر می‌کنند:

◆ معنی: در عین جانبازی می‌رقصند و صدا و سرور عشق می‌خوانند.

مراعات نظیر (تناسب) ← پا و سر / رقص و نغمه

پارادوکس (تناقض) ← بی‌پا و سر رقصیدن
جناس همسان (تام) ← سر (کله) و سر (سر کردن یعنی شروع کردن)

آرایه

عشق ← مضاف‌الیه

چنین ← قید

می‌کنند ← فعل

رقصی ← متمم

سر می‌کنند ← فعل مرکب

نغمه ← مفعول

بی‌پا و سر ← قید

دستور

◇ بیت ۶: هلا منکر جان و جانان ما بزن زخم انکار بر جان ما

◆ معنی: ای انکارکننده‌های ما و معشوق ما، با باور نکردن ما زخم به جان ما بزنید.

اشفاق ← منکر و انکار (هر دو از یک ریشه هستند؛ این آرایه برای رشته ریاضی و تجربی نیست!)

تشبیه ← زخم انکار (انکار (مشبه) را به زخمی (مشبه‌به) مانند کرده‌ایم که بر جان زده می‌شود)
کنایه ← زخم انکار بر جان زدن (کنایه از انکار کردن و با این کار آزرده جان)

آرایه

بزن ← فعل
زخم ← مفعول
انکار ← مضاف‌الیه
جان ← متمم
ما ← مضاف‌الیه

هلا ← حرف ندا
منکر ← منادا
جان ← مضاف‌الیه
جانان ← معطوف به مضاف‌الیه
ما ← مضاف‌الیه

دستور

◇ بیت ۷: بزن زخم، این مرهم عاشق است که بی زخم مردن، غم عاشق است

◆ معنی: به ما زخم بزنید که آن موجب آرامش و راحتی ما، عاشقان است و اگر آزادگان بدون زخم و صدمه بمیرند، غم بزرگی برایشان محسوب می‌شود. (اگر شهید نشوند غم بزرگی است).

تکرار ← زخم

پارادوکس (تناقض) ← زخم، مرهم است / بی‌زخمی، غم است.
تضاد ← زخم و مرهم

آرایه

بی‌زخم مردن ← نهاد
غم عاشق ← مسند
است ← فعل

این ← نهاد
مرهم ← مسند
عاشق ← مضاف‌الیه

دستور

◇ بیت ۸: مگو سوخت جان من از فرط عشق خموشی است هان، اولین شرط عشق

◆ معنی: از اینکه از شدت عذاب عشق در رنج هستی حرفی نزن و اعتراض نکن، چون اولین شرط عشق در این راه خاموشی و سکوت است. (حتی اگر در عذاب باشی).

کنایه ← سوختن جان (کنایه از دچار سختی و عذاب و نابودی شدن)

جناس غیرهمسان (ناقص) ← فرط و شرط

آرایه

خموشی ← مسند
است ← فعل
هان ← صوت، شبه جمله
اولین شرط عشق ← گروه نهادی
اولین ← صفت
شرط ← نهاد
عشق ← مضاف‌الیه

مگو ← فعل
سوخت جان من از فرط عشق سوخت ← فعل
فرط عشق ← گروه متممی
مفعول فعل مگو

دستور

◇ بیت ۹: بین لاله‌هایی که در باغ ماست خموشند و فریادشان تا خداست

◆ معنی: به شهدایی که در گلزار شهیدان ما هستند، نگاه کن که سکوت کرده‌اند اما صدایشان تا عرش الهی می‌رسد.

مراعات نظیر (تناسب) ← لاله و باغ

استعاره ← لاله (استعاره از شهید)

آرایه

پارادوکس (تناقض) ← خموشند و فریادشان تا خداست

خموش ← مسند
ند ← فعل
فریاد ← نهاد
شان ← مضاف‌الیه
تا خدا ← گروه مسندی
تا ← حرف اضافه
خدا ← متمم
ست ← فعل

بین ← فعل
لاله‌هایی ← مفعول
باغ ← متمم
ما ← مضاف‌الیه
ست ← فعل غیراسنادی به
معنی وجود دارد

دستور

- ◇ بیت ۱۰: بیابا گل لاله بیعت کنیم که آلاله‌ها را حمایت کنیم
 ◆ معنی: بیاید با عاشقان و شهیدان پیمان ببندیم و از آنها حمایت کنیم.

مراعات نظیر (تناسب) ← گل و لاله و آلاله

استعاره ← گل لاله (استعاره از شهید) / آلاله‌ها (استعاره از شهیدان) / بیعت با گل لاله (تشخیص است و هر تشخیص هم استعاره است)

آرایه

که ← حرف پیوند وابسته‌ساز حمایت ← مفعول
 آلاله‌ها ← متمم (از آلاله‌ها) کنیم ← فعل
 را ← حرف اضافه به معنی از

بیا ← فعل
 بیعت ← مفعول
 گل لاله ← متمم
 کنیم ← فعل

دستور

◆ معنی ابیات ← شعرخوانی: صبح بی تو

- ◇ بیت ۱: صبح بی تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد بی‌تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد
 ◆ معنی: صبحی که تو نباشی مثل بعدازظهر یک جمعه، غمگین و کسل‌کننده است، بدون تو مهربانی هم، معنای خود را از دست می‌دهد و مانند انتقام و کینه است.

تضاد ← مهربانی و کینه
 مراعات نظیر ← صبح و بعدازظهر

تشبیه ← صبح بی‌تو به بعدازظهر یک آدینه تشبیه شده است.
 پارادوکس ← مهربانی، حالتی از کینه دارد.
 حس آمیزی ← رنگ بعدازظهر

آرایه

تو ← متمم
 حتی ← قید
 مهربانی ← نهاد
 حالتی ← مفعول
 کینه ← متمم

صبح ← نهاد
 تو ← متمم
 رنگ بعدازظهر یک آدینه
 بعدازظهر ← مضاف‌الیه
 یک ← صفت
 آدینه ← مضاف‌الیه
 دارد ← فعل
 گروه مفعولی
 رنگ ← مفعول

دستور

- ◇ بیت ۲: بی تو گویند تعطیل است کار عشق‌بازی عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

- ◆ معنی: می‌گویند که وقتی تو نیستی، عاشقی تعطیل است و بساط عاشقی جمع شده؛ اما عشق که در زمان نمی‌گنجد و مربوط به روزهای خاصی نیست و همیشگی است.

استفهام انکاری ← مصراع دوم (پرسشی است که نیاز به جواب ندارد و جواب آن از قبل مشخص و منفی است).

تشخیص و استعاره ← خبر داشتن (یا نداشتن) عشق از روزها
 مراعات نظیر ← شنبه و آدینه / تعطیل و آدینه

آرایه

عشق ← نهاد
 اما ← حذف پیوند همپایه‌ساز آدینه ← معطوف
 کی ← قید
 خبر ← مفعول
 شنبه ← متمم
 دارد ← فعل

گویند ← فعل
 تعطیل است کار عشق‌بازی
 کار عشق‌بازی ← نهاد
 است ← فعل
 مفعول فعل گویند
 تعطیل ← مسند

دستور

- ◇ بیت ۳: جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد
- ◆ معنی: آدم‌های شوم و بد در این جهان ویرانه وجود تو را انکار می‌کنند، ولی تو همان گنج پنهان هستی که در این ویرانه‌ها قرار داری.

تشخیص و استعاره ← جغد انکار می‌کند	آرایه	حس آمیزی ← بویی از آن گنجینه
مراعات نظیر ← جغد، ویرانه و گنجینه		تکرار ← ویرانه
جغد ← نهاد	دستور	خاک این ویرانه‌ها ← گروه نهادی بویی ← مفعول
ویرانه ← متمم		خاک ← هسته گروه نهادی آن ← صفت
می‌خواند ← فعل		این ← صفت گنجینه ← متمم
انکار ← متمم		ویرانه‌ها ← مضاف‌الیه
تو ← مضاف‌الیه		دارد ← فعل
اما ← حرف ربط		

- ◇ بیت ۴: خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد
- ◆ معنی: می‌خواستم از دوری و فراق تو گله کنم، ولی یادم آمد که عشق و عاشقی همیشه همراه با سختی و مکافات کشیدن است.

تشخیص و استعاره ← عشق با آزار خویشاوندی دارد.	آرایه	مراعات نظیر ← رنجش و آزار
خواستم بگویم ← فعل	دستور	عشق ← نهاد
رنجش ← متمم		آزار ← متمم
دوری ← مضاف‌الیه		خویشاوندی ← مفعول
یاد ← متمم (به یاد من آمد)		دیرینه ← صفت بیانی نسبی
م ← مضاف‌الیه		دارد ← فعل
آمد ← فعل		

- ◇ بیت ۵: در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد
- ◆ معنی: دل زخمی عاشق با بی‌قراری در هوای عاشقان پر می‌کشد و دلش هوای معشوق دارد.

کنایه ← پر کشیدن (کنایه از تمایل شدید به سمت چیزی)	آرایه	استعاره ← کبوتر چاهی زخمی (دل مجروح)
هوای ← متمم	دستور	آن کبوتر چاهی زخمی ← نهاد
عاشقان ← مضاف‌الیه		گروه نهادی
پر می‌کشد ← فعل مرکب		آن ← صفت
با ← حرف اضافه		کبوتر چاهی ← نهاد
بی‌قراری ← متمم		زخمی ← صفت
		او ← نهاد
		در ← حرف اضافه
		سینه ← متمم
		دارد ← فعل

- ◇ بیت ۶: ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آنکه در دستش کلید شهر پرآینه دارد
- ◆ معنی: ناگاه سیاهی و بدی و ظلم توسط کسی که آرمان شهر در اختیار اوست، از بین می‌رود.

استعاره ← تیرگی (استعاره از ظلم، ستم و بدی) / شهر	آرایه	کنایه ← مصراع اول (کنایه از بین رفتن ظلم و بدی) / کلید در دست داشتن (کنایه از در اختیار داشتن)
پرآینه (آرمان شهر)	دستور	شهر ← مضاف‌الیه
تضاد ← قفل و کلید		دست ← متمم
ناگهان ← قید		ش ← مضاف‌الیه
قفل ← مفعول	دستور	کلید ← مفعول
بزرگ ← صفت		کلید شهر پرآینه ← گروه مفعولی
تیرگی ← مضاف‌الیه		
را ← نشانه مفعول		
می‌گشاید ← فعل		

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱. معادل معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

■ منکر آینه باشد چشم کور دشمن آینه باشد روی زرد عمادی شهرباری
انکارکننده

■ ای داور زمانه، ملوک زمانه را جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست مسعود سعد سلمان
مسیر و جای گردیدن و دور زدن

۲. همان‌طور که می‌دانید، صفت بیانی، برای توضیح و وصف یک واژه به کار می‌رود. واژه‌ای که وصف می‌شود، موصوف نام دارد.

مثال: کتاب - خواندنی

موصوف صفت

■ به پرکاربردترین صفت‌های بیانی توجه کنید:

● مطلق: پاک، خوشحال، خطرناک

بن مضارع + نده: سازنده، درخشنده

بن مضارع + ا: گویا، کوشا

بن مضارع + ان: خندان، تابان

● فاعلی: بن ماضی / بن مضارع + گار: آفریدگار، آموزگار

بن ماضی + ار: خریدار، خواستار

اسم / بن / صفت + گر: زرگر، توانگر، روشنگر

اسم / صفت + بن مضارع: خداشناس، راستگو

● مفعولی: بن ماضی + ه / ه (= -): شکسته

● لیاقت: مصدر + ی: آشامیدنی، ستودنی

اسم + ی: آسمانی، نارنجی

اسم + ین: امروزی، آهنین

● نسبی: اسم + ینه: سیمینه، چرمینه

اسم + انی: روحانی، عقلانی

اسم + انه: کودکانه، سالانه

■ اکنون مانند نمونه جدول را کامل کنید.

صفت مفعولی	صفت لیاقت	صفت فاعلی	بن مضارع	فعل
نوشته	نوشتنی	نویسنده	نویس	نوشت
خوانده	خواندنی	خواننده	خوان	خواندم

قلمرو ادبی

۱. از متن درس، برای هر یک از آرایه‌های ادبی زیر، نمونه‌ای مناسب بیابید و بنویسید.

تشبیه: بزَن زخم انکار، بر جان ما (زخم انکار اضافه تشبیهی است و در حقیقت انکار به یک زخم تشبیه شده است).
متناقض‌نما: بزَن زخم، کاین: مرهم عاشق است (مرهم بودن زخم متناقض‌نما است).

۲. شعر «یاران عشق» را از نظر قالب و مضمون، با شهر «زاغ و کبک» مقایسه کنید.

قالب یاران عشق و زاغ و کبک: هر دو مثنوی

مضمون یاران عشق: عاشقی و جانبازی

مضمون زاغ و کبک: نفی تقلید کورکورانه

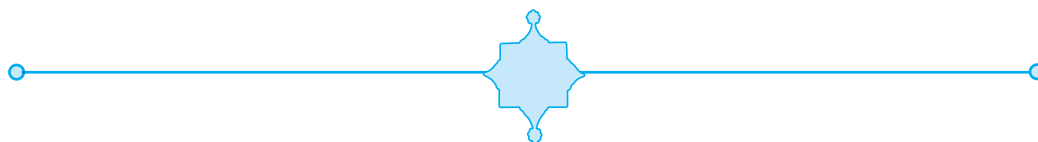
قلمرو فکری

۱. در بیت سوم، مقصود از یاران عاشق، چه کسانی است و به کدام ویژگی آن‌ها اشاره شده است؟
شهیدان - با نثار خونشان فریاد آزادی و پیروزی سر دادند.
۲. در بیت آخر، بر کدام یک از ارزش‌های انقلاب اسلامی تأکید شده است؟
بیعت با شهیدان و در مسیر آن‌ها بودن
۳. نخست، مفهوم کلی بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس برای هر یک، بیتی متناسب از متن درس بیاید.

الف) ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد سعدی
مفهوم ← عاشق مدعی نیست و حتی موقع جان دادن هم خاموش و ساکت است.
معادل است با بیت ← ۸

ب) چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید که در جوشن عشقید، که از کرب و بلا بید حمید سبزواری
مفهوم ← تحمل سختی‌ها و مقاومت
معادل است با بیت ← ۷

۴.



از چنبرِ نَفَس، رسته بودند آن‌ها بت‌ها همه را شکسته بودند آن‌ها
پرواز شدند و پرگشودند به عرش هر چند که دست‌بسته بودند آن‌ها
مصطفی محدثی خراسانی

◆ معنی بیت اول: (غواصان دست‌بسته) از طوق هوا، هوس و مادیات دل‌کنده بودند و تمام زشتی‌ها و پلیدی‌ها را زیر پا گذاشته بودند.

استعاره ← بت (استعاره از تعلقات و مادیات و ظالمان) تشبیه ← چنبر نفس (نفس را به حلقه و طوقه‌ای تشبیه کرده است که گرفتار می‌کند؛ این ترکیب اضافه تشبیهی است)



چنبر ← متمم رسته بودند ← فعل بت‌ها ← مفعول شکسته بودند ← فعل
نفس ← مضاف‌الیه آن‌ها ← نهاد همه ← بدل آن‌ها ← نهاد



◆ معنی بیت دوم: با آنکه (غواصان) دستانشان بسته بود، پرگشودند و به عرش الهی عروج کردند.

تناقض (پارادوکس) ← پرواز کردن در عین دست‌بسته بودن واج آرایی ← تکرار واج «ش» در مصراع اول
مراعات نظیر (تناسب) ← پرواز و پر



پرواز ← مسند پرگشودند ← فعل مرکب هر چند که ← حرف ربط وابسته ساز بودند ← فعل
شدند ← فعل عرش ← متمم دست‌بسته ← مسند آن‌ها ← نهاد
و ← «واو» ربط



یادداشت

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس یازدهم

لغت

- ۶۲۶- معنی کدام دو واژه کاملاً صحیح است؟
 الف) (مدار: جای ایستادن) (دف: نوعی ساز)
 ج) (بیعت: پیمان) (آلاله: شقایق)
 ۱) الف - ج ۲) ب - د
- ۶۲۷- معنی واژه‌های «سیمینه - منکر - آدینه» به ترتیب در کدام گزینه، صحیح است؟
 ۱) نقره‌ای - انکارکننده - روز اول
 ۲) ساخته شده از نقره - انکار شده - جمعه
 ۳) منسوب به سیم - انکارشده - روز آخر
 ۴) سیمین - ناباور - جمعه

املا

- ۶۲۸- در چند بیت از ابیات زیر غلط املائی می‌بینید؟
 الف) خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد
 ب) از آن‌ها که خورشید فریادشان
 پ) به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند
 ت) جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما
 ۱) صفر ۲) سه ۳) دو ۴) یک
- ۶۲۹- در کدام بیت غلط املائی می‌یابید؟
 ۱) از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند
 ۲) هلا منکر جان و جانان ما
 ۳) بزنی زخم، این مرحم عاشق است
 ۴) مگو سوخت جان من از فرط عشق
 سفر بر مدار خطر کرده‌اند
 بزنی زخم انکار بر جان ما
 که بی‌زخم مردن، غم عاشق است
 خموشی است هان، اولین شرط عشق

آرایه‌های ادبی

- ۶۳۰- در کدام بیت تشبیه وجود دارد؟
 ۱) در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری
 ۲) صبح بی تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد
 ۳) به پاسداری آیین آسمانی ما
 ۴) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست
- ۶۳۱- در کدام بیت آرایه پارادوکس (تناقض) می‌یابید؟
 ۱) مگو سوخت جان من از فرط عشق
 ۲) از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند
 ۳) چه جانانه چرخ جنون می‌زنند
 ۴) بزنی زخم، این مرهم عاشق است
- ۶۳۲- آرایه‌های «تشبیه - پارادوکس - جناس - تناسب» به ترتیب در کدام ابیات دیده می‌شود؟
 الف) مگو سوخت جان من از فرط عشق
 ب) هلا منکر جان و جانان ما
 ج) به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند
 د) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست
 ۱) الف - ج - د - ب ۲) ب - د - الف - ج
- آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد
 بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد
 گزیده‌ای که خدا برگزیده می‌آید
 خموشند و فریادشان تا خداست
 خموشی است هان، اولین شرط عشق
 سفر بر مدار خطر کرده‌اند
 دف عشق با دست خون می‌زنند
 که بی زخم مردن غم عاشق است
 ۱) الف - ج - د - ب ۲) ج - ب - الف - د

۶۳۳- در کدام گزینه «پارادوکس» به کار نرفته است؟

- ۱) به عیش خاصیت شیشه‌های می، داریم
- ۲) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست
- ۳) از آن‌ها که خورشید فریادشان
- ۴) خوبان پارسی‌گوی بخشندگان عمرند

۶۳۴- در کدام گزینه «جناس» وجود ندارد؟

- ۱) گرچه خرد در خطاست در خط می، دار سر
- ۲) هلا منکر جان و جانان ما
- ۳) نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا
- ۴) یاد یاران، یار را میمون بود

۶۳۵- در کدام گزینه «تشبیه» به کار نرفته است؟

- ۱) از آن‌ها که خورشید فریادشان
- ۲) مگو سوخت جان من از فرط عشق
- ۳) چه جانانه چرخ جنون می‌زنند
- ۴) هلا منکر جان و جانان ما

۶۳۶- در ابیات همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ همهٔ ارکان تشبیه آمده است.

- ۱) آنکه لرزد هم‌چو مرغ نیم بسمل، صبح و شام
- ۲) هر نسیمی که به من بوی خراسان آورد
- ۳) خوش‌بخت آنکه مادر دانا به روز و شب
- ۴) وظیفهٔ زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟

۶۳۷- در کدام بیت از «تشخیص» استفاده شده است؟

- ۱) بر آب خورد آخر مقدم تشنگانند
- ۲) در جام من می بیشتر کن ساقی امشب
- ۳) روزی که در جام شفق مل کرد خورشید
- ۴) من زخم خوردم صبر کردم دیر کردم

۶۳۸- در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ آرایهٔ «تشخیص» موجود است.

- ۱) اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
- ۲) حسن عروس طبع مرا جلوه آرزوست
- ۳) دل بیمار شد از دست، رفیقان مددی
- ۴) ما برآریم شبی دست و دعایی بکنیم

۶۳۹- آرایه‌های مقابل همهٔ گزینه‌ها درست ذکر شده‌اند، جز

- ۱) از آن‌ها که خورشید فریادشان
- ۲) چه جانانه چرخ جنون می‌زنند
- ۳) صدای سمّ سمند سپیده می‌آید
- ۴) بزنی زخم، این مرهم عاشق است

که خنده بر لب ما قهقهه می‌گیرد
 خموشند و فریادشان تا خداست
 دمید از گلوی سحرزادشان
 ساقی بده بشارت رندان پارسا را

تا خط بغداد ده دجله صفت جام‌جم
 بزنی زخم انکار بر جان ما
 تو که قلب دوستان را به مفارقت شکستی
 خاصه کان لیلی و این مجنون بود

دمید از گلوی سحرزادشان
 خموشی است هان، اولین شرط عشق
 دف عشق با دست خون می‌زنند
 بزنی زخم انکار بر جان ما

در زمستان پیکر عریان دهقان است و بس
 چون دم عیسی در کالبدم جان آرد
 چونان فرشته که بر سر او سایه‌گستر است
 یکی است کشتی و آن دیگری است کشتی‌بان

می‌ده حریفانم صبوری می‌توانند
 با من مدارا بیشتر کن ساقی امشب
 بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید
 من با حسین از کربلا شگیر کردم

من و ساقی بر او تازیم و بنیادش براندازیم
 آینه‌ای ندارم از آن آه می‌کشم
 تا طیبش به سرآریم و دوایی بکنیم
 غم هجران تو را چاره ز جایی بکنیم

دمید از گلوی سحرزادشان (تشبیه - مراعات نظیر)
 دف عشق بادست خون می‌زنند (پارادوکس - تشبیه)
 یلی که سینۀ ظلمت دریده می‌آید (استعاره - تشبیه)
 که بی‌زخم مردن، غم عاشق است (پارادوکس - تضاد)

دستور و زبان‌شناسی

- ۶۴۰- پسوند صفت نسبی در کدام واژه متفاوت است؟
 (۱) روحانی (۲) ظلمانی (۳) جسمانی (۴) عرفانی
- ۶۴۱- ساخت دستوری کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟
 (۱) چریده (۲) چریده (۳) خریده (۴) خزیده
- ۶۴۲- کلمه «زَرین» در مصراع «فغان که کاسه زَرین بی‌نیازی را» چه نوع صفتی است؟
 (۱) فاعلی (۲) لیاقت (۳) مفعولی (۴) نسبی
- ۶۴۳- کلمه «ناشناخته» در عبارت «ارزش انقلاب الهی ما برای دشمنان ناشناخته است» چه نوع صفتی است؟
 (۱) فاعلی (۲) لیاقت (۳) مفعولی (۴) نسبی
- ۶۴۴- در کدام بیت صفت بیانی وجود دارد؟
 (۱) آن شاخه‌های نارنج اندر میان ابر
 (۲) از تیغ کوه تا لب دریا کشیده‌اند
 (۳) بر طرف رود چون بوزد باد بر درخت
 (۴) بنگر بدان درخشش کز ابر کبودفام
- ۶۴۵- در کدام مصراع، جزئی از فعل «صفت مفعولی» نیست؟
 (۱) ز هرچه رنگ تعلق پذیرد، آزاد است
 (۲) سروش عالم غیب چه مژده‌ها داد است
 (۳) قبول خاطر و لطف سخن خداداد است
 (۴) ندانمت که در این دامگه چه افتاد است
- ۶۴۶- با توجه به بیت «در بادهای سوزان نیلوفران خاکی / چشم انتظار آبد، ای روح سبز باران» کدام گزینه صفت بیانی نداریم؟
 (۱) بادهای سوزان (۲) چشم انتظار آب (۳) روح سبز (۴) نیلوفران خاکی
- ۶۴۷- کدام گزینه گروه وصفی است؟
 (۱) مرد دانشمند پاک‌نهاد خوش‌سخن
 (۲) شرمندگی نداشتن لباس فاخر
 (۳) دیدار خوب یوسف کنعان
 (۴) دل پاک انسان خداجوی
- ۶۴۸- ساختمان کدام گزینه با کلمات دیگر، متفاوت است؟
 (۱) آموزگار (۲) آفریدگار (۳) پروردگار (۴) کردگار
- ۶۴۹- ساخت دستوری کدام کلمه با کلمات دیگر، متفاوت است؟
 (۱) خشمگین (۲) غمگین (۳) سنگین (۴) سهمگین
- ۶۵۰- بیت زیر چند جمله است؟
 «مگو سوخت جان من از فرط عشق
 (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) پنج
 خموشی است هان، اولین شرط عشق»
- ۶۵۱- کدام مورد درباره بیت زیر نادرست است؟
 «هلا منکر جان و جانان ما
 (۱) زخم ← مفعول (۲) ما ← مضاف‌الیه
 (۳) هلا ← نهاد (۴) جانان ← مضاف‌الیه
 بزن زخم انکار بر جان ما»
- ۶۵۲- پسوند کدام صفت نسبی، متفاوت است؟
 (۱) تحتانی (۲) حیوانی (۳) جسمانی (۴) فوقانی
- ۶۵۳- همه کلمات زیر، به جز صفت فاعلی هستند.
 (۱) رونوشت (۲) پیراهن‌دوز (۳) جهانگیر (۴) دست‌فروش
- ۶۵۴- در کدام گزینه صفت بیانی داریم؟
 (۱) کعبه راز (۲) گردون دون (۳) حصول کمال (۴) چشمه‌های حکمت

- ۶۵۵- ترکیب وصفی کدام است؟
 (۱) بامداد رحیل (۲) آدم غربزده (۳) چرخه چرخ (۴) رستگاری عقبی
- ۶۵۶- صفت لیاقت از مصدر «پوشیدن» کدام است؟
 (۱) پوشش (۲) پوشیدنی (۳) پوشیدگی (۴) پوشیده
- ۶۵۷- نویسنده در تمام گزینه‌ها جز گزینه از «صفت مفعولی» بهره برده است.
 (۱) مسجد بزرگی که هم حیاط دارد، هم سرپوشیده و هم نخل محرم در آن است.
 (۲) زن‌ها چارقد سر می‌کنند و نیمه پیراهنی روی شلیته پرچین و تاب خود می‌پوشند.
 (۳) بلندقامت‌اند و پرکار و آفتاب‌سوخته و زود به پیری نشسته.
 (۴) طویله‌ها دخمه‌ای است در شکم کوه کنده شده.
- ۶۵۸- کلمات «بینا، زینده، گریان» به ترتیب کدام پاسخ‌اند؟
 (۱) صفت فاعلی - صفت مفعولی - صفت لیاقت
 (۲) قید - صفت مفعولی - صفت نسبی
 (۳) صفت فاعلی - صفت فاعلی - صفت نسبی
 (۴) صفت فاعلی - صفت فاعلی - صفت فاعلی
- ۶۵۹- در همه گزینه‌ها به جز گزینه صفت فاعلی دیده می‌شود.
 (۱) گشوده (۲) دانا (۳) روان (۴) دونده
- ۶۶۰- واژه‌های کدام گزینه همگی صفت فاعلی هستند؟
 (۱) دارا - گیرا - روا (۲) پندار - دیدار - گرفتار
 (۳) غزلواره - جشنواره - گوشواره (۴) خندان - جانان - یخبندان
- ۶۶۱- نشانه صفت مفعولی را در کدام گزینه می‌توان دید؟
 (۱) ن (۲) ان (۳) ه (۴) ی
- ۶۶۲- بن مضارع و صفت فاعلی و صفت لیاقت از «گسستن» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) گسل، گسیخته، گسله (۲) گسل، گسلنده، گسستی
 (۳) گسست، گسلانده، گسستگی (۴) گسیخت، گسلانیده، گسستی
- ۶۶۳- در گروه‌های اسمی زیر، جمعاً چند صفت بیانی وجود دارد؟
 «قامت کوتاه - اطاق روشن - آن داستان - مرد رونده - کدام خیابان - کودک خندان - انسان شنوا - چند کودک - چهار صفحه - در گشوده - کتاب خواندنی - عجب منظره‌ای - اندیشه آسمانی - هشتمین امام - بیست سال - فلان آدم - بهترین استعدادها»
 (۱) شش (۲) هفت (۳) هشت (۴) یازده
- ۶۶۴- در کدام گزینه صفت بیانی فاعلی آمده است؟
 (۱) روشن (۲) بینا (۳) دیدنی (۴) نیلوفری
- ۶۶۵- در میان واژه‌های زیر، چند صفت نسبی وجود دارد؟
 «خوردنی، بسته، ظلمانی، مردانه، گریان، رونده، نوین، آبی، دانا، کردگار»
 (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) دو
- ۶۶۶- صفت بیانی در کدام گزینه بیشتر از دیگر گزینه‌ها است؟
 (۱) آن آهوی سیه‌چشم از دام ما برون شد
 (۲) برون افکنی از پی دلفریبی
 (۳) ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است
 (۴) آن لعل دلکشش بین، وان خنده دل‌آشوب
- ۶۶۷- تعداد صفت‌های فاعلی کدام گزینه کمتر است؟
 (۱) همه می‌دانستند که پیشنهادهای مالی گیرایش، این روستای زیبا را نابود می‌کند و از خداوند جهان‌آفرین، امنیت می‌خواستند.
 (۲) مرد خریدار، محیط زمین را پیاده می‌رود و به نقطه اول بازمی‌گردد و از صاحب زمین ثمن معامله را می‌پرسد و وی نیز با حالتی گریان قیمت پرتی را پیشنهاد می‌دهد.
 (۳) زمانی که به کدخدا رسید، از تشنگی جان‌فرسا نمی‌توانست روی پاهایش بایستد، ولی چهره خندانش پیدا بود.
 (۴) دردمند هجران کشیده‌ای که می‌خواهد دردهای درونی خویش را با بیانی رسا و گویا به زبان آورد و فردی غمگین است.

قلم‌چی - ۹۶

نشانه‌پرتر - ۹۸

نشانه‌پرتر - ۹۸

نشانه برتر - ۹۷

۶۶۸- نوع صفت بیانی در کدام گزینه متفاوت با دیگر گزینه‌هاست؟

- ۱) به نیک و به بد مرد آموزگار
- ۲) دیشب که دلم ز تابِ هجران می‌سوخت
- ۳) ناگاه به باغ تو خزان می‌فرستند
- ۴) و این چه کوری است که در چار راه شرع

نشانه برتر - ۹۷

۶۶۹- در کدام بیت صفت نسبی یا لیاقت به کار نرفته است؟

- ۱) ولی چشم از درون خود نبندی
- ۲) کاسه‌گردان بزم تقدیرت
- ۳) گردنده آسمانی و عدل آفتاب تو
- ۴) اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

فلم‌چی - ۹۷

۶۷۰- در کدام گزینه تعداد «صفت‌های بیانی» (به عنوان وابستهٔ پسین) بیشتر است؟

- ۱) لفظی فصیح شیرین، قدی بلند چابک
- ۲) آن لعل دلکشش بین، وان خنده دل‌آشوب
- ۳) یاقوت جان‌فزایش از آب لطف زاده
- ۴) از تاب آتش می برگرد عارضش خوی

قرابت معنایی و معنی و مفهوم

۶۷۱- همهٔ ابیات با بیت: «بزن زخم این مرهم عاشق است / که بی‌زخم مردن غم عاشق است» هم‌مفهوم‌اند به جز

- ۱) عهد کردیم که جان در سر کار تو کنیم
- ۲) سر که نه در راه عزیزان بود
- ۳) ای که از کوچهٔ معشوقهٔ ما می‌گذری
- ۴) بگفتا گر به سر یابیش خشنود

۶۷۲- کدام گزینه با «از چنبر نفس رسته بودند آن‌ها / بت‌ها همه را شکسته بودند آن‌ها» قرابت معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) باد نفس مر سینه را ز اندوه صیقل می‌زند
- ۲) عشق فروخت آتشی کآب حیات از او خجل
- ۳) بمیرید بمیرید وزین نفس ببرید
- ۴) نیست ز نفس ما مگر نقش و نشان سایه‌ای

۶۷۳- مفهوم بیت: «خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد / عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد» با کدام بیت همسان نیست؟

- ۱) در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
- ۲) مکن ز غصه شکایت که در طریق طلب
- ۳) عشق می‌بازی طریق عاشقان باید سپرد
- ۴) دل حافظ که به دیدار تو خوگر شده بود

۶۷۴- بیت «بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی‌زخم مردن، غم عاشق است» با کدام بیت قرابت معنایی کمتری دارد؟

- ۱) اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست
- ۲) عقل در سلسلهٔ عشق گرفتار بود
- ۳) نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست
- ۴) همه سلامت نفس آرزو کند مردم

۶۷۵- بیت زیر با کدام یک از ابیات زیر قرابت معنایی ندارد؟

- «آنکه شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر
 (۱) مگو سوخت جان من از فرط عشق
 (۲) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست
 (۳) ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
 (۴) بیا عاشقی را رعایت کنیم

۶۷۶- چند مورد با «ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید / آنکه در دستش کلید شهر پرآینه دارد» ارتباط معنایی بیشتری دارند؟

- (الف) «ای منتظر غمگین مشو قدری تحمل بیشتر
 (ب) «یاد اُحد یاد بزرگی‌ها که کردیم
 (ج) «مردی به مردی دشنه بر بیداد بسته
 (د) «به سوی قلّه بی‌انتهای بیداری
 (هـ) «شب غارت تاران همه سو فکنده سایه
 (۱) یک (۲) چهار (۳) سه (۴) دو

۶۷۷- «بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی‌زخم مردن غم عاشق است» با کدام گزینه متناسب نیست؟

- (۱) هم‌چو نی زهری و تریاقی که دید
 (۲) مرا به زخم قفا گفتمش ز پیش مران
 (۳) زخم را مرهم شمار و طالب دارو مباش
 (۴) مرهم ز چه سازیم که این درد که ما راست

۶۷۸- مفهوم بیت: «چه جانانه چرخ جنون می‌زنند / دف عشق با دست خون می‌زنند» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) دادگرا تو را فلک جرعه‌کش پیاله باد
 (۲) لعل تو که هست جان حافظ
 (۳) حریم عشق را درگه بسی بالاتر از عقل است
 (۴) در این حضرت چو مشتاقان نیاز آرند ناز آرند

۶۷۹- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) پیش از آن کاین نفس کل در آب و گل معمار شد
 (۲) مرغی که ز دام نفس خود رست
 (۳) اهل صیقل رسته‌اند از بوی و رنگ
 (۴) از چنبر نفس، رسته بودند آن‌ها

۶۸۰- تنها بیت گزینه با بیت زیر تناسب معنایی دارد.

- هلا منکر جان و جانان ما
 (۱) عشق تو رقیب راز من باد
 (۲) رقیبا تیر می‌رانی و در جان می‌کنی رخنه
 (۳) با رقیب سخت دل زخم زبان کردن چه سود
 (۴) بنده خود کیست که با خواجه به انکار آید

۶۸۱- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) از چنبر نفس، رسته بودند آن‌ها
 (۲) ازدهای نفس نگذارد که رو آری به گنج
 (۳) تو پای‌بند زمینی و رشته‌ایست نهان
 (۴) خیال خود همه باید ز سر به در کردن

نشانه برتر - ۹۷

نشانه برتر - ۹۷

نشانه برتر - ۹۸

نکات پراکنده

۶۸۲- اشعار «باران عاشق» و «صبح بی‌تو» به ترتیب در چه قالب شعری سروده شده‌اند؟

- (۱) مثنوی - غزل (۲) قطعه - مثنوی (۳) غزل - غزل (۴) مثنوی - چهارپاره

آزمون تشریحی درس یازدهم

◆◆ قلمرو زبانی

۱. معادل معنایی واژه‌های زیر را بنویسید.
انکار: بیعت: مرهم:
۲. نوع صفت بیانی را در بیت زیر مشخص کنید.
«خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد»
۳. نوع صفت‌های زیر را تشخیص دهید.
بچگانه - پشمینه - پروردگار - شکسته
۴. جدول زیر را کامل کنید.

صفت مفعولی	صفت لیاقت	صفت فاعلی	بن مضارع	فعل
				دیدیم

۵. در بیت زیر یک وابسته پیشین و یک وابسته پسین بیابید. نوع آن‌ها را مشخص کنید.
جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو امّا خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد

◆◆ قلمرو ادبی

۱. در بیت زیر دو آرایه ادبی پیدا کنید.
در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد
۲. در بیت زیر کدام آرایه‌های ادبی به کار رفته است؟ (۲ مورد)
ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد
۳. کدام یک از اضافه‌های زیر تشبیهی است؟
قُلَّة بیداری - شهید عشق - برکه خورشید - خورشید فریاد - دشت ژاله
۴. در بیت زیر کدام آرایه ادبی به کار رفته است؟
بین لاله‌هایی که در باغ ماست خموشند و فریادشان تا خداست

◆◆ قلمرو فکری

۱. در بیت «به پاسداری آیین آسمانی ما / گزیده‌ای که خدا برگزیده می‌آید» منظور شاعر از «برگزیده خدا» کیست؟
۲. با توجه به بیت زیر «مُنکر جان و جانان» چه کسی است؟
هلا مُنکر جان و جانان ما بزن زخم انکار بر جان ما
۳. معنی و مفهوم بیت زیر را به فارسی روان بنویسید.
بیا با گُل لاله بیعت کنیم که آلاله‌ها را حمایت کنیم

یادداشت ✍

درس یازدهم

- ۶۲۶- گزینه ۳ مدار: مسیر، مسیری معمولاً دایره‌ای شکل که در آن چیزی به دور چیز دیگر می‌چرخد / فرط: از حد گذشتن، بسیاری، فراوانی
- ۶۲۷- گزینه ۴ سیمینه: منسوب به سیم، سیمین، ساخته شده از سیم یا نقره / منکر: انکارکننده، ناباور / آدینه: جمعه، آخرین روز هفته
- ۶۲۸- گزینه ۳ بیت (الف) ← خوشاوندی
بیت (ب) ← نغمه
- ۶۲۹- گزینه ۳ «مرهم» صحیح است به معنی دارویی که بر زخم گذارند، التیامبخش.
- ۶۳۰- گزینه ۲ صبح بی تو به یک بعدازظهر جمعه تشبیه شده است.
- ۶۳۱- گزینه ۴ «زخم، مرهم است» پارادوکس است!
- ۶۳۲- گزینه ۲ تشبیه: بیت (ب) ← زخم انکار (اضافه تشبیهی است و انکار به زخمی تشبیه شده است) / پارادوکس: بیت (د) ← «خموشنند و در عین حال فریادشان تا خداست» پارادوکس ایجاد کرده است. / جناس: بیت (الف) ← فرط - شرط / تناسب: بیت (ج) ← پا - سر
- ۶۳۳- گزینه ۳ این گزینه پارادوکس ندارد.
- گزینه (۱): قاه‌قاه گریستن! / گزینه (۲): خموشنند و فریاد می‌کشند! / گزینه (۴): «رندان پارسا» یعنی عاشق باطن‌نظری که ظاهرین دینی است!
- ۶۳۴- گزینه ۲ گزینه (۱): خط اول خط جام شراب، خط دوم: مرز / گزینه (۳): قلب اول = مرکز سپاه، قلب دوم = معنای واقعی قلب / گزینه (۴): «یاد و یار» جناس غیرهمسان (ناقص) دارند.
- ۶۳۵- گزینه ۲ در این گزینه هیچ تشبیهی به کار نرفته است.
در سایر ابیات:
گزینه (۱): خورشید فریاد ← اضافه تشبیهی / گزینه (۳): دف عشق ← اضافه تشبیهی / گزینه (۴): زخم انکار ← اضافه تشبیهی
- ۶۳۶- گزینه ۴ گزینه (۱): مشبه: پیکر عریان دهقان، مشبه‌به: مرغ نیم‌بوسمل، وجه شبه: لرزد، ادات: هم‌چو / گزینه (۲): مشبه: نسیم، مشبه‌به: دم عیسی، وجه شبه: جان آوردن، ادات تشبیه: چون / گزینه (۳): مشبه: مادر، مشبه‌به: فرشته، وجه شبه: سایه گستر، ادات تشبیه: چونان / گزینه (۴): مشبه: زن و مرد، مشبه‌به: کشتی و کشتی‌بان، وجه شبه: محذوف، ادات تشبیه: محذوف
- * به دلیل اشاره‌ای که در قلمرو ادبی به آرایه تشبیه شده این تست را آورده‌ام.
- ۶۳۷- گزینه ۳ خورشید در جام شفق مل کرد. (خورشید شراب نوشید): تشخیص است.
* در قلمرو ادبی به آرایه تشخیص اشاره شده!
- ۶۳۸- گزینه ۴ گزینه (۱): لشکر انگیختن غم / گزینه (۲): حُسن عروس طبع / گزینه (۳): دلِ بیمار

- ۶۱۳- گزینه ۳ اغراق ← کاملاً مشهود است که فرات با این عظمت قطره‌ای از دریای توست / تشخیص یا استعاره ← گفتنی است که هر استعاره تشخیص دارد و در اینجا مشک به دوش بودن دریا / واج‌آرایی ← دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش واج‌آرایی (ش).
* کاملاً مشخص است که بیت اول حسن تعلیل هم دارد.
- ۶۱۴- گزینه ۳ اغراق در مصراع «جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توست» از همه مشهودتر است (فرات قطره‌ای از دریای توست!)
- ۶۱۵- گزینه ۲ کنایه: برگ سفر بر باره بندیم (آماده حرکت شویم)، دل بر عبور از چیزی بستن (قصد عبور از چیزی کردن) / جناس: بر و برگ، خار و خار (ناقص افزایشی)، باره و باره (ناقص اختلافی) / اضافه تشبیهی ← سدّ خار و خار (خار و خار به سد) / سدّ خار و خار ← استعاره (مشکلات)
- ۶۱۶- گزینه ۳ کنایه: آهنگ سفر کردن (سفر رفتن)، جان سپر کردن (فداکاری و ایثار جان) / استعاره: جانان (یار و محبوب)، تیغ (مشکل و مصیبت) / به تیغ بگو بیارد ← تشخیص / بارد و بیارد ← اشتقاق از مصدر باریدن
- ۶۱۷- گزینه ۲ گزینه (۱) ← ۵ (تنگ است ما را خانه / تنگ است / ای برادر / برجای ما بیگانه تنگ است / ای برادر) / گزینه (۲) ← ۳ (تکبیرزن، لَبیک‌گو، بنشین به رهوار / مقصد دیار قدس [است] / همپای جلودار [می‌رویم])
* دقت کنید «تکبیرزن و لَبیک‌گو» قید هستند.
- گزینه (۳) ← ۶ (گاه سفر آمد / برادر / ره دراز است / پروا مکن / بشتاب / همت چاره‌ساز است)
- گزینه (۴) ← ۴ (از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم / بانگ از جرس برخاست / وای من / خموشم)
* دقت کنید «وای من» شبه جمله و صوت است و یک جمله به حساب می‌آید.
- ۶۱۸- گزینه ۳ «فرمان» قسمتی از کلمه «فرمان بردن» است که این کلمه نهاد است. دقت کنید اصلاً «بردن» فعل نیست که بخواهد مفعول داشته باش.
* نکته: در گزینه (۴) مفعول فعل «گو» هر چیزی است که گفته شود («ببارد» که خودش فعل است مفعول فعل «گو» هم محسوب می‌شود).
- ۶۱۹- گزینه ۳ «برادر» منادا است.
- ۶۲۰- گزینه ۱ گزینه (۲) ← آن - هر - صد / گزینه (۳) ← این / گزینه (۴) ← هر
- ۶۲۱- گزینه ۳ «رنگین کمان» نهاد است (کلاف ابرهای تیره ← مفعول)
- ۶۲۲- گزینه ۱
- ۶۲۳- گزینه ۲ گزینه (۱) ← جلودار / گزینه (۳) ← موسی / گزینه (۴) ← جلودار
- ۶۲۴- گزینه ۳ این بیت اشاره به مشک به دوش کشیدن حضرت عباس و دنبال آب بودن برای بچه‌ها در واقعه عاشورا دارد.
- ۶۲۵- گزینه ۴

دقت کنید در شمارش جملات، شبه جمله‌ها (منادا - صوت) هم به حساب می‌آیند.

۶۵۱- گزینه ۳ «هلا» حرف نداست به معنی «ای».

توضیح سایر گزینه‌ها:

«زخم» مفعول است برای بزن. (چه چیزی را بزن؟ زخم انکار را)
«ما» مضاف‌الیه است برای جان و جانان.

«جانان» مضاف‌الیه است برای منکر. (منکر جانان)

۶۵۲- گزینه ۲ هر چهار کلمه، صفت نسبی است. پسوند گزینه (۲).

«ی» می‌باشد، ولی در گزینه‌های دیگر «انی» است.

تحتانی = تحت + انی / جسمانی = جسم + انی / فوقانی = فوق + انی
صفت نسبی: صفتی است که موصوف خود را به چیزی یا جایی نسبت می‌دهد. علامت‌های صفت نسبی عبارتند از (ی، ین، ینه، انه، انی، گانه، چی و ...). که همراه اسم می‌آیند.

ولی ساختار گزینه (۲) به صورت «حیوانی = حیوان + ی (نسبی)» می‌باشد.

۶۵۳- گزینه ۱ «رونوشت» صفت مفعولی است که علامت «ه» از آخر آن حذف شده است. گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)، صفت فاعلی هستند که علامت «نده» از آخر آن حذف شده است.

۶۵۴- گزینه ۲ «گردون دون» ترکیب وصفی است و «دون» صفت بیانی! ولی سه گزینه دیگر ترکیب اضافی است.

۶۵۵- گزینه ۲ آدم (موصوف) غرب‌زده (صفت مفعولی)، سه گزینه دیگر، ترکیب اضافی هستند.

۶۵۶- گزینه ۲ صفت لیاقت صفتی است که لیاقت و شایستگی موصوف را بیان می‌کند و علامت آن «ی» است که به آخر «مصدر» اضافه می‌شود. مثل: دیدنی، خوردنی: «مصدر + ی»

۶۵۷- گزینه ۲ در گزینه (۱)، «سریوشیده»، در گزینه (۳)، «آفتاب سوخته» و «زود به پیری نشسته»، در گزینه (۴)، «در شکم کوه کنده شده» صفت مفعولی هستند، اما در گزینه (۲)، صفت مفعولی وجود ندارد.

۶۵۸- گزینه ۴ بینا ← بن مضارع + ا / زبینه ← بن مضارع + نده / گریان ← بن مضارع + ان / (هر سه صفت فاعلی هستند)

۶۵۹- گزینه ۱ «گشوده» صفت مفعولی است.

(بن ماضی + ه ← صفت مفعولی).

۶۶۰- گزینه ۱ واژه‌های گزینه (۱) همگی با ساختار یکسان یعنی «بن مضارع + ا» ساخته شده‌اند. در گزینه (۲)، «گرفتار» و در گزینه (۴) «خندان» صفت‌اند. بقیه واژه‌ها اسم‌اند.

۶۶۱- گزینه ۳ ساختار صفت مفعولی در زبان فارسی، «بن ماضی + ه» است، مانند: دیده، شنیده و ...

۶۶۲- گزینه ۲ ساختار کلمات خواسته شده به ترتیب: «بن مضارع» از فعل امر به دست می‌آید با حذف «ب». یکی از انواع صفت فاعلی از ترکیب «بن مضارع» و «پسوند نده» ساخته می‌شود. «صفت لیاقت» از «مصدر» + پسوند «ی» تشکیل می‌گردد. (فعل امر گسستن ← بگسل)

۶۳۹- گزینه ۲ در این گزینه آرایه «پارادوکس» نداریم. «دفع عشق» ← اضافه تشبیهی

گزینه (۱): «خورشید فریاد» ← اضافه تشبیهی - «خورشید» و «سحر» ← مراعات نظیر / گزینه (۳): «سمنند سپیده» ← اضافه تشبیهی - «سینه ظلمت» ← اضافه استعاری / گزینه (۴): «زخم، مرهم است» ← پارادوکس - «زخم و مرهم» ← تضاد

۶۴۰- گزینه ۴ روحانی ← روح + انی / ظلمانی ← ظلمت + انی / جسمانی ← جسم + انی / عرفانی ← عرفان + ی

۶۴۱- گزینه ۱ «جریده» اسم ساده است و به معنی «دفترا، شاخه نخل و شاخه بی‌برگ» است. ولی گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) صفت مفعولی است که از «بن ماضی + ه» ساخته شده است.

۶۴۲- گزینه ۴ «زرین»، (اسم + ین) است که صفت نسبی می‌باشد.

۶۴۳- گزینه ۳ در جمله داده شده: ارزش انقلاب الهی ما برای دشمنان ناشناخته است ← ناشناخته شده است، «ناشناخته» صفت مفعولی است. (نا + بن ماضی + ه)

۶۴۴- گزینه ۴ کبودفام در مصراع اول بیت چهارم صفت بیانی است، سایر گزینه‌ها صفت بیانی ندارند، ولی در گزینه (۱)، «آن» صفت اشاره است و صفت اشاره جزء صفت بیانی نیست.

۶۴۵- گزینه ۱ در گزینه‌های (۲) و (۳) «داد است» به معنی «داده است» می‌باشد که «داده» صفت مفعولی است، ولی «آزاد است» چنین نیست. هم‌چنین در گزینه (۴)، «افتاد است» یعنی «افتاده است» که افتاده صفت مفعولی است. (صفت مفعولی: بن ماضی + ه)

۶۴۶- گزینه ۲ گزینه (۲) «آب» مضاف‌الیه است و صفت نیست.

۶۴۷- گزینه ۱ زیرا از یک اسم و سه صفت تشکیل شده و گروه وصفی است.

گزینه (۱): مرد (اسم) + دانشمند (صفت) + پاک‌نهاد (صفت) + خوش‌سخن (صفت) / گزینه (۲): شرمندگی (اسم) + نداشتن (مصدر = اسم) + لباس (اسم) + فاخر (صفت) / گزینه (۳): دیدار (اسم) + خوب (صفت) + یوسف (اسم) + کنعان (اسم) / گزینه (۴): دل (اسم) + پاک (صفت) + انسان (اسم) + خداجوی (صفت)

توجه: در هر چهار گزینه، ترکیب وصفی به کار رفته است ولی گزینه (۱)، در مجموع گروه وصفی است و در گزینه‌های دیگر، ترکیب اضافی هم به کار رفته است.

۶۴۸- گزینه ۱ «آموزگار» از (بن مضارع + گار) ساخته شده است، در حالی که سایر گزینه‌ها از «بن ماضی + گار» تشکیل شده‌اند.

۶۴۹- گزینه ۳ «سنگین» از ترکیب «یک اسم + ین» تشکیل شده که صفت نسبی است، اما سایر گزینه‌ها از ترکیب اسم + «گین» ساخته شده‌اند، به صورت زیر:

خشمگین ← خشم + گین / غمگین ← غم + گین / سهمگین ← سهم + گین

۶۵۰- گزینه ۱ مگو (۱) / سوخت جان من از فرط عشق (۲) / هان (۳) / خموشی است اولین شرط عشق (۴)

۶۶۶- گزینه ۲ موارد (الف)، (ج)، (د) و (ه) مانند صورت سؤال به قیام علیه ظلم اشاره دارند اما مورد (ب) به یادآوری قدرت‌نمایی‌های گذشته اشاره دارد.

۶۶۷- گزینه ۲ صورت سؤال و سه گزینه دیگر به این اشاره دارند که همان چیزی که باعث درد است، همان مرهم است. در گزینه (۲) عاشق به معشوق می‌گوید که مرا با جفا کردن از پیش خود مران، چرا که کسی که دوری معشوق را تحمل کرده از این جفاها نمی‌ترسد.

۶۶۸- گزینه ۳ مفهوم صورت سؤال و این گزینه، جنون عاشق و جان دادن در راه معشوق می‌باشد. گزینه (۱): شاعر، برای دشمن معشوق، آرزوی مرگ می‌کند. / گزینه (۲): حافظ دعا می‌کند که معشوق او از دیگر مردم دور باشد. / گزینه (۴): به دردمندی عاشق و پیدا نکردن درمان برای درد خود اشاره شده است.

۶۶۹- گزینه ۱ مفهوم بیت گزینه (۱) به ازلی بودن عشق اشاره دارد و سایر ابیات به رهایی از نفس و به تبع آن به رستگاری رسیدن اشاره دارد.

۶۸۰- گزینه ۲ مفهوم مشترک صورت سؤال و بیت گزینه (۲) در این است که منکر عشق سختی‌های راه عشق را زخم می‌بیند و اما این زخم‌ها برای عاشق مرهمی شفابخش است.

۶۸۱- گزینه ۳ در این بیت به این مفهوم اشاره شده است که انسان همواره با گذشته و نیاکان خود از نظر تاریخی و میهنی ارتباط دارد و از هم گسسته نیست، در حالی که در سایر ابیات مفهوم نفس کشی و از خودگذشتگی دیده می‌شود.

۶۸۲- گزینه ۱

شکل مثنوی:

x _____	x _____
o _____	o _____
Δ _____	Δ _____
□ _____	□ _____

شکل غزل:

x _____	x _____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____

درس دوازدهم

۶۸۳- گزینه ۲ درفش کاویان: درفش ملی ایران در عهد ساسانی (نه سامانی)

تفرّج: گشت‌وگذار (نه محل گشت‌وگذار)، تماشا، سیر و گردش

۶۸۴- گزینه ۱ گزیر: چاره (گریز: فرار)

۶۸۵- گزینه ۳ فقط مورد (د) درست است.

الف (خوالیگر: طباخ، آشپز، پزنده) / ب (حاذق: ماهر، توانا) (تفرّج: گشت و گذار، تماشا) / ج (براندیشم: بترسم) (برنا: جوان)

۶۶۳- گزینه ۳ «کوتاه و روشن» صفت ساده هستند. «رونده، خندان، شنوا»، «بن مضارع + پسوند» (صفت فاعلی هستند)، «گشوده»، «بن ماضی + ه» (صفت مفعولی است)، «خواندنی»، «مصدر + ی» (صفت لیاقت است)، «آسمانی»، «اسم + ی» (صفت نسبی است).

* نکته: صفت بیانی، یکی از انواع وابسته‌های پسین است که خود انواعی دارد که عبارتند از: صفت ساده، صفت فاعلی، صفت مفعولی، صفت لیاقت و صفت نسبی.

۶۶۴- گزینه ۲ گزینه (۱) صفت ساده است. / گزینه (۳) لیاقت است. / گزینه (۴) نسبی است.

۶۶۵- گزینه ۲ ظلمانی، مردانه، نوین، آبی: ۴ صفت نسبی خوردنی: صفت لیاقت / بسته: صفت مفعولی / گریان، رونده، دانا، کردگار: صفات فاعلی

۶۶۶- گزینه ۴ گزینه (۱): سیه‌چشم، رمیده / گزینه (۲): نیلگون، سیمینه / گزینه (۳): اسیر، گرفتار / گزینه (۴): دلکش، دل‌آشوب، خوش، آرمیده

۶۶۷- گزینه ۳ صفت‌های فاعلی گزینه (۱): گیرا و زیبا / گزینه (۲): خریدار، گریان / گزینه (۳): خندان / گزینه (۴): رسا، گویا

۶۶۸- گزینه ۳ دل رنجیده: صفت مفعولی در بقیه گزینه‌ها صفت‌های موجود فاعلی هستند: «آموزگار، گریان، بیننده» ۶۶۹- گزینه ۳ در گزینه (۳)، آسمانی و آفتابی، اسنادی است به معنای «هستی». بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): دیدنی (لیاقت) / گزینه (۲): زرین (نسبی) / گزینه (۴): شیرازی (نسبی)

۶۷۰- گزینه ۱ گزینه (۱): فصیح، شیرین، بلند، چابک، لطیف، زیبا، خوش، کشیده / گزینه (۲): دلکش، دل‌آشوب، خوش، آرمیده / گزینه (۳): جان‌فزا، خوش‌خام / گزینه (۴): صفت بیانی ندارد.

۶۷۱- گزینه ۳ مفهوم سایر گزینه‌ها و بیت صورت سؤال جانبازی عاشق در راه معشوق است ولی گزینه (۳) غیرت عاشق را می‌رساند.

۶۷۲- گزینه ۴ در صورت سؤال و سایر گزینه‌ها می‌گوید عشق و سختی همراه هم هستند اما در گزینه (۴) از معشوق می‌خواهد که عاشق را آزار ندهد.

۶۷۳- گزینه ۳ این گزینه مثل صورت سؤال به ترک تعلّقات و از بین بردن تعلّقات دنیوی و دل‌نستن به چیزهای پست اشاره دارد.

۶۷۴- گزینه ۲ مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر ابیات: عاشق سختی و بلا و زخم و غم را به جان می‌خرد و پذیرای آن است و بدون آن عشق معنایی ندارد و به مقصود نمی‌رسد.

مفهوم گزینه (۲): عقل چیزی از عشق نمی‌فهمد (تقابل عقل و عشق).

۶۷۵- گزینه ۴ سه گزینه اول مفهوم یکسانی با بیت موجود در سؤال دارد که می‌گوید آدم عاشق از باخبر شدن عشق حقیقی دم نمی‌زند و سالک است ولی در گزینه (۴) مفهومی مانند سایر گزینه‌ها نداریم و می‌خواهد از عاشقان سخن بگوید.

پاسخ‌نامه آزمون درس دهم

◆◆ قلمرو زبانی

- ۱ کوچ، کوچیدن
۲ تعیین کردن
۳ اسب (تندرو)، فراخ‌گام، خوش‌راه

◆◆ قلمرو ادبی

- ۱ آماده حرکت و هجوم هستند.
۲ جولان - جناس تام
۳ جناس تام - واج‌آرایی - تکرار - تناسب (مراعات نظیر)
۴ جناس ناقص
۵ کشت و پشت (جناس ناقص)
۶ الف) رزمندگان شجاع / ب) آماده حرکت یا هجوم شدن
۷ تنگ و ننگ یا ما و جا
۸ آرایه‌ها: ۱) استعاره و تشخیص ← هفت دست گرم برای آسمان / ۲) تشخیص ← آسمان دف می‌زد. / ۳) تشبیه ← شور و شوق مانند رنگین‌کمان / ۴) اضافه تشبیهی ← کلاف ابرهای تیره (ابرهای تیره به کلاف تشبیه شده است).

◆◆ قلمرو فکری

- ۱ الف) دلبران به سوی مقصد آماده حرکت هستند. / ب) از همه طرف رفتن به گوشم می‌رسد، کاروان حرکت کرد، اما من هنوز نرفته‌ام. / ج) عزیز من تو نیز قیام کن. فریاد و زاری امام را که پیشوای این مبارزه است بشنو ... / د) اطاعت از حکم رهبر واجب است. / هـ) ای عزیز من برخیز به سوی کوه‌های جولان پیش برویم و از آنجا با شتاب تا سرزمین لبنان پیش برویم.
۲ تخت و نگین: کشور فلسطین و شکوه و عظمت آن / اهریمن: اسرائیل و یا غاصبان و ستمگران
۳ الف) قصد کشتن و نابودی سامری را گرفت. ب) رهبر یا موسی (ع) یا امام خمینی (ره)
۴ فرعونیان: اسرائیلی‌ها، دشمنان / موسی: امام خمینی (ره)
۵ نیل: مشکلات
۶ سرزمین فلسطین
۷ لطف و رحمت خداوند شامل حال همه مردم ایران شد.

پاسخ‌نامه آزمون درس یازدهم

◆◆ قلمرو زبانی

- ۱ باور نکردن، نپذیرفتن، نفی کردن / پیمان و عهد، پیمان بستن برای فرمان برداری و اطاعت از کسی / هر دارویی که روی زخم بگذارند، التیام‌بخش
۲ دیرینه ← صفت بیانی از نوع نسبی
۳ بچگانه: صفت نسبی / پشمینه: صفت نسبی / پروردگار: صفت فاعلی / شکسته: صفت مفعولی
۴

صفت مفعولی	صفت لیاقت	صفت فاعلی	بن مضارع	فعل
دیده	دیدنی	بینا - بیننده	بین	دیدیم

- ۵ وابسته پیشین: این و آن ← صفت اشاره
وابسته‌های پسین: تو ← مضاف‌الیه / ویرانه ← مضاف‌الیه / ها ← علامت جمع / ی (بویی) ← نکره

◆◆ قلمرو ادبی

- ۱ کنایه ← پر کشیدن / استعاره ← کیوتر چاهی زخمی
۲ استعاره ← تیرگی / تضاد ← قفل و کلید
۳ قلّه بیداری - برکه خورشید - خورشید فریاد
۴ پارادوکس (متناقض نما) ← خموشند و فریادشان تا خداست / مراعات نظیر ← باغ و لاله / استعاره ← لاله استعاره از شهید

◆◆ قلمرو فکری

- ۱ امام زمان (عج)
۲ دشمنان دین و میهن
۳ ای هم‌وطن، بی‌ا تا با شهیدان دوباره پیمان ببندیم و از هدف‌ها و آرمان‌های آن‌ها دفاع کنیم.